

الزامات اخلاقی-قانونی پلیس ناظر بر اصل برائت در جرائم مواد مخدر در پرتو روانشناسی جنایی

دکتر مهدی حریری^۱، دکتر حسام الدین علی دوستی^{۲*}، زهرا علیزاده^۳

۱. گروه حقوق، دانشگاه پیام نور، ایران

۲. گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، ایران

۳. گروه علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور، ایران

(تاریخ دریافت: ۹۸/۱۲/۲، تاریخ پذیرش: ۹۹/۲/۴)

چکیده

زمینه: امروزه جرایم مواد مخدر به عنوان یکی از اعمال مجرمانه که عموماً آثار آن دامنگیر اجتماع شده مورد شناسایی قرار گرفته است؛ لذا در راستای دادرسی عادلانه، اصل برائت در فرایند رسیدگی به جرایم مواد مخدر مورد توجه قرار گرفت. با توجه به حاکمیت اخلاق بر قانون و ارتباط دوسویه آنها ضروری است الزاماتی خاص که حاکم بر نهاد کشف جرم در جرائم مواد مخدر می باشد؛ در نظر گرفته شود. هدف از پژوهش پیش رو، تعیین الزامات اخلاقی-قانونی اصل برائت ناظر بر نهادهای دستگاه عدالت کیفری در فرایند رسیدگی به جرایم مواد مخدر است. پژوهش حاضر از لحاظ هدف جزء تحقیقات کاربردی می باشد و از لحاظ شیوه جمع آوری اطلاعات به روشی اسنادی و کتابخانه‌ای مورد بررسی قرار گرفته است.

نتیجه گیری: در باب جرایم موضوع بحث شاهد تقدم اماره مجرمیت بر اصل برائت در مواردی چون کشت خشکاش و کوکا، مصادره وسایل حمل و نقل، مصادره و ضبط اموال قاچاقچیان مواد مخدر بوده‌ایم. از منظر روانشناسی جنایی عوامل فردی مؤثر در وقوع جرم موصوف واجد اهمیت است که ناظر بر متهم بوده و نیروی پلیس را نیز در بر می گیرد. از نظر روانشناسی جنایی شخصیت متهم جرائم مواد مخدر و خصوصیات فردی وی در وقوع جرم موصوف مورد توجه می باشد لذا ممکن است عدم رعایت حقوق موصوف ناظر بر متهم از منظر روانشناسی جنایی در نهایت باعث صدور حکم برائت گشته و به نوعی این الزامات در رعایت حقوق متهم و نیروی پلیس را در بر می گیرد.

کلیدواژگان: اصل برائت، اماره مجرمیت، الزامات اخلاقی نهاد کشف جرم، روانشناسی جنایی.

سر آغاز

امروزه تحصیل و جمع آوری دلیل براساس شیوه‌های قانونی و احترام به ارزش‌های اخلاقی^۱ و عدم اعمال رفتارهای غیرانسانی و تحقیرآمیز از حقوق مهم افراد تحت بررسی و اتهام شناخته شده و به عنوان یکی از نمادهای جوامع مردم سالار شناخته می‌شود. از این روست که در پرتو مقررات داخلی و اسناد بین المللی، هر دلیلی که با اعمال فشارهای فیزیکی و خشونت‌های جسمانی به دست آمده باشد، مغایر با حیثیت و شرافت انسانی قلمداد گردیده و فاقد اعتبار قضایی است. اعمال خشونت در قالب تمامی اشکال آن اعم از جسمی یا روانی در مراحل تحقیق و جستجوی ادله به طور مطلق ممنوع می باشد (۱). امروز مواد مخدر به عنوان یکی از مهمترین جرائم در نظام حقوق کیفری ایران مورد جرم‌انگاری قرار گرفته است. شیوه و آئین دادرسی جرائم موضوع بحث عموماً خاص بوده به دلیل اینکه شیوه ارتکاب جرائم مذکور متفاوت از

سائر جرائم می‌باشد، هرچند که در برخورد با مرتکبین جرائم مواد مخدر^۲ قطعیت و حتمیت احکام از سوی مقامات قضائی ضرورت دارد، اما نایبستی در این راستا و در جهت دفاع از حقوق متهم اصل برائت پایمال گردد. لذا همانطور که این اصل در عموم جرائم حائز اهمیت است، نقش آن در جرایم مواد مخدر واجد اهمیت بسیاری است و تبعاً الزامات ناظر بر آن نیز بایستی در نظر گرفته شده و نقش دستگاه‌های عدالت کیفری به ویژه پلیس به عنوان نهاد کشف جرم در این بین نمایان گردد. در پژوهش پیش رو مسأله اساسی تعیین و برآورد الزامات اصل برائت که ناظر بر عملکرد نهادهای دستگاه عدالت کیفری به ویژه پلیس بعنوان نهاد کشف جرم می‌باشد. در این بین در جهت دادرسی عادلانه و اجرای آن نقش نهاد کشف جرم (پلیس مبارزه با مواد مخدر) اساسی است؛ چرا که در جهت کشف و دستگیری متهمین جرایم مذکور و مدیریت صحنه

در این باره پرداخته‌ست؛ اما بسان مورد پیشین مواردی از جمله تعیین مصادیق الزامات، اصل برائت و نقش نهادهای درگیر در فرایند دادرسی این جرم از نظر دور مانده است. ذبحی در کتاب تحت عنوان شرح جامع مبارزه با موادمخدر در نظم حقوقی جدید در دو جلد به صورت مبسوط به شرح مواد قانونی و عناصر جرم و رویه‌های دادستانی کل کشور اشاره نموده است، اما بسان موارد پیشین در باب تعیین مصادیق الزامات اصل برائت و نقش نهادهای درگیر در فرایند دادرسی این جرم از نظر موقوف مانده است. در پژوهش حاضر سعی گردیده است تا با استفاده از داده‌های موجود در باب موضوع الزامات ناظر بر اصل برائت در رسیدگی به جرائم موادمخدر که پلیس نیز می‌تواند در آن نقش داشته باشد در موضوع تبیین و تشریح گردیده است و نشان داده باشد چه الزاماتی در خصوص اصل برائت در رسیدگی به جرائم موادمخدر با اهمیت بوده و نقش پلیس در این باب چه می‌باشد. از اهداف واجد اهمیت پژوهش حاضر نقش آفرینی دستگاه پلیس در باب اصل برائت در رسیدگی به جرائم موادمخدر به عنوان نهاد کشف جرم می‌باشد.

فرض برائت

واژه برائت در لغت به معنای پاک شدن از عیب و تهمت، رهایی از بدهی، بی‌زاری از چیزی و پاک شدن است اصل برائت در حقوق به این معنی است که باید بنا را به بی‌گناهی افراد فرض نمود. (۳) فرض برائت^۲ در حقوق به این معنی است که باید بنا را به بی‌گناهی افراد فرض نمود و چون اثبات مجرمیت افراد بر عهده دادستان می‌باشد که با ارایه دلایل قانونی، ضمن یک دادرسی عادلانه با حفظ کرامت انسانی متهم و از طرف دادگاه صالح طرف بر مبنای تشریفات قانونی به موجب حکم قطعی مجرمیت متهم اثبات شود و در هر مورد که نسبت به جرم، مجرم، مسئولیت کیفری و مجازات شک و تردید نسبت به مجرم بودن متهم وجود داشته باشد باید به سود و نفع متهم تفسیر شود و با تفسیر مضیق متهم تبرئه گردد. ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی، بند ۱ ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر و بند پنجم ماده ۱۹ اعلامیه اسلامی حقوق بشر بر فرض برائت به منزله مهم‌ترین استاندارد تضمین حقوق متهم تصریح دارند. امروزه فرض برائت از حقوق اساسی افراد به شمار می‌رود و «فرض مذکور به صورت گسترده و به عنوان یک اصل مبنایی در عدالت کیفری مورد قبول واقع شده است» (۴) و اهمیت آن تا جایی است که حق بر بی‌گناه بودن تا زمان اثبات جرم به منزله یک «مسیر طلایی» در فرایند دادرسی کیفری توصیف شده است (۵). فرض برائت به زبان حقوق بشری «حق متهم بر فرض برائت» نیز تعبیر شده است (۶).

اماره مجرمیت

«اماره در لغت به معنای نشانه، علامت، یادگار، نام شب، کلمه عبور، دلالت اشعار دارد» (۷). اماره، آن را از جمله دلایلی می‌دانند که مبنای حجیت آن، کاشفیت نسبت به واقع است و به همین ملاک نیز از سوی

جرم، شناسایی پلیس تخصصی با عنوان پلیس مبارزه با موادمخدر ضروری به نظر می‌رسد. در کنار نهاد موصوف نهاد تحقیق، تعقیب، رسیدگی و اجرای حکم نقش آفرینی می‌نمایند که سعی گردیده تا حد امکان با رعایت الزامات اصل برائت، نقش آنها در جریان فرایند دادرسی ناظر به جرایم موادمخدر مورد بحث و بررسی قرار گیرد. اصل برائت در شرع و از منظر عقل منشاء اثر بوده و در جرایم موضوع بحث نقش بسزا دارد. با توجه به پیشرفت علوم مدرن و شیوع موادمخدر، شیوه‌های کشف جرایم و اثبات آنها با صعوبت بسیاری همراه است و بعضاً موجب جایجایی بار ارائه و اثبات دلیل از دوش مقام تعقیب به متهم و تقدم اماره مجرمیت بر اصل برائت می‌گردد. دلیل این امر می‌تواند مواردی چون ارجحیت منافع عمومی، پیچیدگی جرایم مورد بحث و عوامل محیطی مؤثر در این جرایم باشد. با توجه به اینکه اجرای حکم ناشی از موادمخدر ممکن است غیرقابل جبران باشد، ضمن رعایت اصول دادرسی عادلانه به نظر می‌رسد اصل برائت بایستی رعایت گشته تا متهم و مرتکب بیگناه مجازات نگردد. ضروری است که سازوکارهای لازم و مناسب ناظر بر تقدم اماره مجرمیت بر اصل برائت در جرایم موضوع بحث کنکاش قرار گرفته که از قبیل آن عدالت و انصاف تضمین گردد. روانشناسی جنایی رشته ای است که با کمک آن اصحاب دعوی، به ویژه، متهم، شاهد و وکلا در مراحل تحقیق و تعقیب به صورت علمی هدایت می‌شوند تا دادرسی به شکل دست تا وصول به حقیقت انجام شود. این علم جوان به ما می‌آموزد که با عنایت به شرایط فردی متهم و یا شاهد، سؤالات مناسب از آنان به عمل آید و ضمن جلب اعتماد آنان و تقلیل تنش‌های روانی ناشی از احضار و استنطاق، کمک می‌کند تا فرد به سوی بیان حقایق هدایت گردد. این علم با هدفمندی به حداقل رساندن خطای قضایی و احراز حقیقت و هدایت درست دادرسی و افراد ذی‌مدخل در آن، از به‌کارگیری روش‌های خشن و غیرانسانی ممنوع پرهیز می‌کند (۲). در پژوهش حاضر هدف اصلی تحقیق تعیین الزامات ناظر بر اصل برائت در رسیدگی پلیس به جرایم موادمخدر در نظر گرفته شده و اهداف فرعی مشتعل بر تعیین تفاوت میان جرایم موادمخدر با سایر جرایم در الزامات اصل برائت برای پلیس در رسیدگی به جرایم موادمخدر و تعیین مصادیق تقدم اماره مجرمیت بر اصل برائت در اثبات جرایم موادمخدر می‌باشد. اگرچه پژوهش‌هایی در باب رسیدگی به جرایم موادمخدر در نظام حقوق کیفری ایران انجام گرفته است، اما در هیچ یک از آنها الزامات اصل برائت قید نگردیده، با این حال پژوهش‌هایی از قرار ذیل می‌تواند با موضوع هماهنگی داشته باشد. رحمدل با تألیف کتابی تحت حقوق کیفری موادمخدر به بحث عناصر این جرم پرداخته، واکنش کیفری به عوامل مؤثر در میزان مجازات را برشمرده و نسبت به تقسیم بندی جرایم موادمخدر و صور و آئین دادرسی کیفری ناظر بر آن اقدام نموده است؛ اما این پژوهش فاقد الزامات اصل برائت در جرایم موادمخدر می‌باشد و به نظر می‌رسد خلاء تألیف ایشان ناظر بر همین امر است. باهری در کتابی تحت عنوان آئین دادرسی جرایم موادمخدر، ضمن بحث در خصوص آئین دادرسی حاکم بر جرایم موادمخدر و پیشینه قانونگذاری

شارع، حجیت یافته است. مفاد امارات می‌تواند احکام شرعی یا موضوعات باشد. در اصطلاح اصول فقه، امارات حاکی از احکام واقعی دلایل اجتماعی است. اماره مجرمیت: قراین و نشانه‌های عینی (نوعی) است که به حکم قانون ظهور بر مجرمیت متهم دارد. با امان به اینکه در حقوق کیفری اصل بر قطعیت و حتمیت می‌باشد و در شک و تردید اصل بنیادین برائت حاکم می‌شود. در فرایند دادرسی کیفری آئین دادرسی عادلانه در اثبات عمل مجرمانه نقش بسزایی دارد یکی از راه اثبات عمل مجرمانه امارات قانونی می‌باشد که یکی از مصادیق امارات قانونی (اماره مجرمیت^۴) می‌باشد. (۸)

نهاد کشف جرم (پلیس)

نهاد^۵ مجموعه‌ای از افراد انسانی آموزش دیده خاص جهت انجام وظیفه مشخص نهاد گفته می‌شود. منظور از کشف جرم یعنی آشکار شدن آن، منظور آشکار کردن عمل کیفری و ممنوع است. یعنی طوری این کیفر آشکار شود که مقامات قضایی و مردم عادی نیز از آن اطلاع داشته باشند. کشف جرم در نظام فعلی از وظایف ضابطان دادگستری و پلیس قضایی است. طبق قوانین در همه دنیا تا جرمی کشف نشود نمی‌توان محاکمه کیفری انجام داد و البته یکی از مسائلی که نیاز است به آن توجه شود، این است که برگزاری محاکمه تنها برای جرایمی است که کشف شده باشد. پس بر این اساس معلوم می‌شود که اهمیت کشف جرم چقدر زیاد است و این کار تا چه اندازه حساس است. بر این اساس کشف جرم از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود تا جرمی کشف نشود نمی‌توان با مجرم برخورد کرد و عدالت قضایی را در کشور اجرا کرد. با این تفاسیر باید گفت که اگر جرمی کشف نشود نه تنها محاکمه انجام نمی‌شود بلکه متهم بدون مجازات ماند او گرفتار قانون نمی‌شود. اولین مرحله از فرایند کیفری نهاد کشف جرم می‌باشد. بنابراین در این مرحله امکان تضييع حقوق شهروندی^۶ از سوی مأمورین کشف جرم بسیار محتمل است بنابراین به منظور حفظ حقوق شهروندی و در راستای اصل قانونی بودن آئین دادرسی کیفری قانونگذار مکلف است اولاً ضابطین را به نحو دقیق احصاء ثانیاً وظایف و اختیارات و مسؤلیت ضابطین دادگستری دقیقاً مشخص نماید (۹). نیروی انتظامی در خصوص مبارزه با مواد مخدر اقدام به تشکیل پلیسی تخصصی در این حوزه نموده است. این اقدام با راه اندازی و تشکیل پلیس مبارزه با مواد مخدر به صورت حرفه‌ای و تخصصی فعالیت‌های خود را دنبال نموده است واحدهای تخصصی آن تا کوچک‌ترین واحدهای مستقل پلیس یعنی کلانتری‌ها و پاسگاه‌ها نیز گسترش یافته‌اند. در ساختار سال ۱۳۸۰ کلانتری‌ها، شعبه‌ای با نام مبارزه با مواد مخدر پیش‌بینی شده بود که در حوزه استحقاقی کلانتری‌ها، وظیفه پیشگیری انتظامی و نیز مبارزه با مواد مخدر (و روانگردان) را عهده‌دار بود. در پاسگاه‌های انتظامی نیز فردی به عنوان رابط وجود داشت که امورات مبارزه با مواد مخدر را با رده‌های تخصصی مربوطه هماهنگ می‌کرد. در جدیدترین ساختار کلانتری‌ها (مصوب ۱۳۸۶) با ادغام واحدهای تخصصی کلانتری‌ها در یکدیگر و تشکیل معاونت عملیات کلانتری، بخش مبارزه با مواد مخدر

کلانتری نیز در این معاونت پیش‌بینی گردیده است که هرچند استقلال موجود در ساختار قبلی را ندارد، لیکن به عنوان بخشی تخصصی با وظایف خاص خود عمل می‌کند. در عین حال، این ادغام و تغییرات می‌تواند اثراتی در نحوه انجام وظایف و مأموریت‌های این واحد تخصصی داشته باشد که کمیت و کیفیت آن را گذشت زمان مشخص خواهد کرد. آنچه مسلم است این که مستقل بودن واحدهای تخصصی تأثیر مهمی در بهینه نمودن وضعیت انجام مأموریت‌ها از سوی آن‌ها و عدم تداخل با سایر مأموریت‌های روزمره خواهد داشت. به طور خلاصه به منظور نیل به وضعیت مطلوب، نیازمند توسعه جدی مرزهای دانش اعتیاد با مشارکت کلیه دستگاه‌های عضو و مرتبط با ستاد مبارزه با مواد مخدر هستیم تا با تقویت و علمی کردن امر مبارزه مشاهده تحقق مطالبه رهبر انقلاب در عرصه بروز خلاقیت و نوآوری در حوزه‌های کاهش تقاضا و کاهش عرضه باشیم. امید می‌رود ضمن ایفای نقش مستمر از سوی کلیه اصحاب اندیشه در جهاد مقدس مبارزه، زمینه برای احیای نفوس انسان‌ها فراهم شود. (۱۰)

اخلاق حرفه‌ای پلیس^۷

نهاد کشف جرم با توجه به حاکمیت اخلاق بر قوانین ملزم است ملاحظات اخلاقی و اجتماعی را در خصوص متهم جرائم مواد مخدر به کاربرده و از توسل به شیوه‌های غیرمترافع در جهت کسب دلیل که از منظر علم اخلاق^۸ نیز مذموم است خودداری نماید. اخلاق حرفه‌ای پلیس را می‌توان در آنچه که امروزه به نظام‌نامه (منشور) اخلاقی پلیس معروف است مشاهده کرد. این نظام‌نامه‌ها در بردارنده طیفی از قواعد ارشادی فاقد ضمانت اجرایی هستند. هدف اصلی نظام‌نامه‌های اخلاقی پلیس، ایجاد ختمی کلی برای مأموران و سازمان‌های پلیسی، کمک به پلیس در راستای ارائه خدمات بهتر و مؤثرتر، انجام وظیفه بدون در نظر گرفتن نفع شخصی، تعامل با مردم بدون توجه به رنگ، نژاد، جنس، موقعیت سیاسی، اجتماعی و ... است. از جمله نظام‌نامه‌های اخلاقی پلیس که نه در سطح ملی و منطقه‌ای، بلکه در سطح بین‌المللی مطرح شده است، نظام‌نامه اخلاقی ضابطان دادگستری، مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد طی قطعنامه ۳۴/۱۶۹ مورخه ۱۷ دسامبر ۱۹۷۹ است. هم‌اکنون در بسیاری از کشورها، پلیس علاوه بر توجه به موازین و مقررات قانونی، با تکیه بر نظام‌های اخلاقی به انجام وظیفه می‌پردازد. در کشور ما، تاکنون نظام‌نامه اخلاقی برای ضابطان دادگستری و به ویژه پلیس، تدوین نشده است. اگرچه برخی از اصول مقرر در بسیاری از بخشنامه‌ها و یا دستورالعمل‌های قوه قضائیه به این قبیل موازین اخلاقی اشاره دارند (۱۱).

روانشناسی جنایی

روانشناسی جنایی^۹ علم مطالعه‌ی شخصیت تبهکار و شناخت علل و انگیزه‌های تبهکاری و نیز شیوه‌های جامعه‌پذیری و تجربه‌های دوران کودکی و محیط زندگی تبهکار و نقش ناخودآگاه او در ارتکاب تبهکاری است. به رفتار مخالف با قوانین متعارف جامعه "رفتار جنایی" گویند.

مجرمین به استثنای (هزینه تأمین متعارف زندگی) خواه منشأ اموال از راه حلال و مشروع تحصیل شده یا نامشروع قابلیت مصادره را دارد (۱۸). این ماده از مصادیق بارز تقدم اماره مجرمیت به فرض برائت می‌باشد و این ماده بر خلاف اصول دادرسی کیفری عادلانه می‌باشد. در حالی که تقدم اماره مجرمیت بر اصل برائت باید به صورت محدود و استثنایی باشد و اصل برائت به عنوان یک اصل کلی^{۱۳} و عام الشمول باید حاکم باشد. اما مقنن در اصلاحات قانون مبارزه با ماد مخدر در سال ۱۳۸۹ به اصلاح این ماده پرداخته و در ماده ۲۸ اشعار داشته «کلیه اموالی که از راه قاچاق مواد مخدر یا روان گردان‌های صنعتی غیر داروئی تحصیل شده و نیز اموال متهمان فراری موضوع این قانون در صورت وجود ادله کافی برای مصادره، به نفع دولت ضبط و مشمول اصل ۵۳ قانون اساسی در خصوص اموال دولتی نمی‌باشد.» در این ماده مقنن در باب مصادره اموال قاچاقچیان بین اموال مشروع و نامشروع قائل به تفکیک شده است و عواید حاصل از مواد مخدر قابل مصادره می‌باشد. درج عبارت «در صورت وجود ادله کافی برای مصادره، دقیقاً نشان‌دهنده نگرانی از اعمال معکوس کردن بار اثبات دلیل در رسیدگی به جرائم مواد مخدر بوده است به همین دلیل است که در وضعیت جاری نمی‌توان در حوزه‌ی عوائد حاصل از جرایم مواد مخدر به مسأله معکوس کردن بار اثبات دلیل معتقد بود» (۱۹). اصلاحات قانون مبارزه با مواد مخدر سال ۱۳۸۹ در ماده ۲۸ مبتنی بر اصل برائت و اصل حرمت مالکیت اشخاص می‌باشد، فلذا اصل بر مشروعیت دارایی‌های اشخاص می‌باشد مگر به موجب قرائن یقین آور یا اطمینان بخش دال بر مجرمیت و نامشروع بودن اموال باشد که در این فرض اماره مجرمیت بر اصل برائت مقدم می‌باشد فلذا اصلاحات قانون مبارزه با مواد مخدر مبتنی بر اصل احترام به کرامت انسانی و اصل مترقی برائت و اصول دادرسی عادلانه می‌باشد. سوال مهم این است آیا یافت شدن مواد مخدر در تصرف شخص وی را در معرض اتهام نگهداری، احفاء و.. قرار می‌دهد آیا به صرف یافت شدن ماده‌ی مخدر در تصرف شخص می‌توان نظر به مجرمیت و نهایتاً محکومیت وی داد و او را مجازات کرد؟ «به نظر می‌رسد در مواد مخدر صرف یافت شدن ماده مخدر در تصرف شخصی و رویه قضایی اصل مجرمیت جایگزین اصل برائت می‌شود مبنای این نحوه عمل رویه قضایی را می‌توان «اصاله الظهور» قرار داد. بدین توضیح که رویه قضایی بر این اساس که از نظر عقل و بنای عقلا و عرف هر آن کس که چیزی در تصرف دارد به ماهیت و خصوصیات شی مزبور آشنایی دارد و بر این اساس آن را تصرف می‌کند طبق ظاهر عمل می‌کند و چنین فرض می‌کند که متصرف، علم به موضوع دارد و با علم به موضوع آن را تصرف کرده است» (۲۰).

قاعده درأ و نتیجه مجرمانه در جرایم مواد مخدر

پیوند قاعده درأ با نتیجه مجرمانه منجر به درک این معنا می‌شود که صدور حکم محکومیت کیفری صرفاً محدود به مواردی است که جای هیچ‌گونه شک و تردیدی در خصوص تحقق نتیجه مجرمانه وجود نداشته باشد و در صورت وجود هر گونه شک و تردیدی می‌بایست حکم

رفتار جنایی نوعی رفتار اجتماعی است. به هر رفتاری که در فرآیندهای اجتماعی به وقوع بپیوندد، "رفتار اجتماعی" گویند (۱۲).

الزامات عام اصل برائت در رسیدگی در عموم جرائم

قاعده البینه المدعی

بر اساس همین قاعده "البینه علی المدعی" است که اصالتاً یک قاعده عقلی^{۱۴} است که دلالت بر این دارد در دعاوی به طور عام و دعاوی کیفری به طور خاص، کسی که مدعی مجرمیت و مسئولیت کیفری دیگری است، بار ارائه دلیل برای اثبات ادعای خود را بر دوش خواهد داشت و در غیراین صورت همچنان طبق اصل عمل شده و بی‌گناهی متهم مفروض انگاشته می‌شود (۱۳).

قاعده درأ

درأ در لغت به معنای ساقط کردن و عدم اجراء می‌باشد (۱۴). محقق داماد در بیان این قاعده بیان داشته اند: «مفاد اجمالی قاعده درأ آن است که در مواردی که وقوع جرم یا انتساب آن به متهم و یا مسئولیت و استحقاق مجازات وی، به جهتی محل تردید و مشکوک باشد، به موجب این قاعده باید جرم و مجازات را منتفی دانست (۱۵).

الزامات خاص قاعده البینه المدعی برای پلیس در رسیدگی

به جرایم مواد مخدر

با توجه به افتراقی بودن آئین دادرسی حاکم بر جرایم مواد مخدر، ضروری است که الزامات اخلاقی^{۱۱} در خصوص اصل برائت در جرایم مواد مخدر مورد شناسایی قرار گیرد که در مطالب آتی بدان می‌پردازیم. از منظر حقوق‌دانان معکوس کردن بار اثبات بدین معناست «هرگاه قانونگذار درباره‌ی جهات بار اثبات را از دوش مقام تعقیب برداشته و بر عهده متهم قرار دهد، گفته می‌شود بار اثبات معکوس شده است» (۱۶). برخی دیگر گفته اند: «هر کس را به صرف وجود قرینه یا اماره‌ای مجرم تلقی نمائیم و با توجه به این که لازمه تحقیق هر جرمی اجتماع ارکان متشکله آن است. بنابراین هر یک از این ارکان و نهادن بار اثبات خلاف آن بر عهده متهم به معنای اماره مجرمیت است». آئین دادرسی عادلانه مشخص رعایت حقوق شاکی و متهم و جامعه می‌باشد. یکی از اصول بنیادین آئین دادرسی عادلانه رعایت حقوق متهم و حفظ کرامت و شأن متهم می‌باشد. و اصل برائت از ارکان حقوق دفاعی^{۱۲} متهم می‌باشد (۱۷).

مصادره اموال قاچاقچیان مواد مخدر

مقنن در مواد ۴، ۵، ۶ و ۸ قانون اصلاح مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶ اشعار داشته: «کلیه اموال محکوم علیه قابل مصادره می‌باشند. اعم از اینکه از راه قاچاق مواد مخدر یا به وسیله فعالیت‌های مشروع تحصیل شده باشند. متأسفانه مقنن در قانون مواد مخدر سال ۱۳۷۶ برخلاف اصل بنیادین و مترقی برائت اماره مطلق و غیر قابل رد و مبتنی به گناهکاری مجرمین مواد مخدر قرار داده است و کلیه اموال این

بر برائت متهم صادر نمود (۲۱). جرم موضوع ماده‌ی ۲۱ مصوبه (هرچند برحسب تعریف جرایم مواد مخدر، نمی‌توان آن را یک جرم ماده‌ی مخدر نامید) جرمی مقید به نظر می‌رسد. یعنی در در کلیه‌ی حالات مذکور در ماده (پناه دادن، فراری دادن، همکاری در پناه دادن یا فراری دادن) باید بین فعل مرتکب و نتیجه‌ی حاصله رابطه‌ی علیت وجود داشته باشد و مرتکب در ارتکاب اعمال مذکور سوءنیت خاص داشته باشد ولی سوءنیت خاص در رابطه با این جرم در سوءنیت عام مستتر است. همین طور، جرم موضوع ماده‌ی ۲۲ نیز جرم مقید است، چرا که تحقق آن منوط به وجود سوء نیت خاص و وجود رابطه‌ی علیت بین فعل مرتکب و نتیجه‌ی حاصله است (۲۲).

گستره قاعده در آ در رکن روانی

رکن روانی جرم در فاز ثبوتی سومین رکن از ارکان سه‌گانه تشکیل‌دهنده جرم محسوب می‌شود که می‌بایست از سوی مدعی‌العموم اثبات گردد (۲۳). سؤال اساسی آن است که آیا به صرف یافت شدن ماده مخدر در تصرف شخصی، می‌توان نظر به مجرمیت و نهایتاً محکومیت وی داد و او را مجازات کرد؟ به نظر می‌رسد در مورد مواد مخدر صرف یافت شدن ماده‌ی مخدر در تصرف شخصی، در نگاه اول وی را در معرض اتهام قرار می‌دهد و در رویه قضایی نیز به این نحو عمل می‌کنند که در واقع اصل مجرمیت جایگزین اصل برائت می‌شود. مبنای این نحوه‌ی عمل رویه قضایی را می‌توان «اصاله الظهور» قرار داد (۲۴). برای مثال وقتی که مأمور انتظامی شخصی را در حین عمل ماده مخدر یا در حین فروش آن مشاهده و دستگیر می‌کند با عمل به ظاهر می‌توان گفت که دادستان، تکلیفی به اثبات عنصر معنوی ندارد؛ زیرا اوضاع و احوال حکایت از علم قاطع متهم به ماهیت ماده مورد تصرف خود دارد. لذا، در این گونه موارد تردیدی در محرز بودن علم متهم نسبت به ماده‌ی مخدر وجود ندارد و جهل افراد در این موارد حالت استثنایی دارد. در جرائم مواد مخدر با توجه به حکومت رکن روانی جرم به نظر می‌رسد توجه به شخصیت^{۱۴} مرتکب جرم موصوف از لحاظ کاوش در روح و روان فرد بسیار ضروری است؛ چه بسا ممکن است مرتکب در وقوع جرم رکن روانی نداشته باشد یا در صورت وجود آن رکن مخدوش باشد؛ لذا جلوه‌ای از آن را می‌توان در اختلالات روان‌نژندی^{۱۵} یافت که در این حد ما عموماً قائل به شناسایی مسئولیت مخدوش می‌باشیم و در جرایم مستوجب تعزیر منجمله مواد مخدر قائل به تخفیف مجازات هستیم (۲۵).

مواد مخدر و نقض قواعد اخلاقی

اخلاق‌گرایی قانونی، به معنای بهره‌برداری از ضمانت اجرای حقوقی است و در بحث ما مجازات، به منظور حفظ و ترویج فضایل و موازین اخلاقی است. رویکرد معتدل اخلاق‌گرایی قانونی معتقد است که اخلاق متعارف، موجب تداوم و استحکام جامعه است و نقض این اصول اخلاقی باعث اخلال در نظم و انسجام جامعه می‌شود. لرد دولین از مدافعان این دیدگاه است. از نظر وی «استانداردهای

رفتاری و اصول اخلاقی معینی وجود دارد که نیاز است برای حمایت از جامعه رعایت شوند و نقض آنها، فقط یک گناه و جرم علیه شخص نبوده، بلکه علیه جامعه به عنوان یک کل است». اگرچه اخلاق‌گرایان در بیان مفهوم اخلاق متعارف و ملاک تعیین آن و اینکه کدام حکم اخلاقی نیازمند حمایت حقوقی است اختلاف نظر دارند، اما در این موضوع اشتراک نظر وجود دارد که: «حقوق کیفری آنگونه که ما می‌شناسیم، مبتنی بر اصولی اخلاقی است و در تعدادی از جرایم، کارکرد آن صرفاً اجرای یک اصل اخلاقی است» (۲۶). هر چند اخلاق‌گرایی در معنای محدود خود، حفظ و پاسداشت اخلاقیات جامعه را مد نظر دارد، آنچه می‌تواند مبنای دیدگاه اخلاق‌گرایان در حمایت از اخلاق جامعه باشد، این است که: یکی از وجوه همبستگی اجتماعی وجود باورهای اخلاقی مشترک در جامعه است و چون حقوق کیفری باید از همزیستی مسالمت آمیز و پایه‌ها و ارکان همبستگی اجتماعی حمایت کند، لذا حمایت از اخلاقیات نیز از جمله کارکردهای حقوق کیفری است. بر این اساس، چون فروش و سوء مصرف مواد مخدر هم به ضرر فرد و جامعه است این امر از نظر اخلاقی مذموم است (۲۷).

نتیجه‌گیری

الزامات اصل برائت برای کلیه‌ی نهادهای رسیدگی‌کننده به جرم از جمله پلیس به عنوان نهاد کشف جرم شامل قاعده‌ی بین‌المللی المدعی و قاعده در آ می‌باشند، که به نظر می‌رسد در جرایم مواد مخدر کاربردی اساسی دارند. در فرآیند اثبات دعوی تکلیف نهاد رسیدگی به جرم از جمله پلیس به عنوان نهاد کشف جرم جمع آوری و ارائه دلیل را برای اثبات مجرمیت برعهده دارد فلذا آثار از اصل برائت در صورتی توجیه حقوقی دارد که وجود امارات قانونی یا قضایی سبب اتخاذ ظن (عینی-شخصی) شود. با توجه به نتایج تحقیق می‌توان گفت که در فاز الزامات نهادهای رسیدگی‌کننده به جرم از جمله پلیس به عنوان نهاد کشف جرم با اصل برائت میان جرایم مواد مخدر و سایر جرایم تفاوتی‌هایی وجود دارد؛ از جمله اینکه در جرایم موضوع بحث در برخی موارد شاهد اعمال رویکرد تقدم اماره مجرمیت بر اصل برائت می‌باشیم. به این معنا که در صورت ارائه دلیل از سوی پلیس به عنوان نهاد کشف جرم در خصوص کشت خشخاش و کوکا، ضبط وسیله‌ی حمل و نقل مواد مخدر، مصادره اموال قاچاقچیان مواد مخدر دیگر نیاز به ارائه دلیل قاعدتاً نمی‌باشد. پلیس به عنوان نهاد کشف جرم در جرایم موضوع بحث، نقش مهمی را ایفاء نموده تا آنجا که مقنن اقدام به تعیین و شناسایی نیروی پلیس تخصصی تحت عنوان پلیس مبارزه با مواد مخدر به منظور تسهیل در به دست آوردن ادله و تعقیب متهمین نموده است؛ در کنار آن نهاد تعقیب به عنوان دادستان در جرایم پیش رو با عنایت بیشتری تعقیب را استمرار بخشیده؛ چرا که از قیل این جرم سلامت اجتماعی^{۱۶} شهروندان به مخاطره می‌افتد. با توجه به حساسیت جرایم پیش رو به نظر می‌رسد در امر تحقیق بایستی از بازرسانی مجرب که

آوردن وقایع قرار داشته باشد، به گونه ای که هرگونه وضعیت روانی نامناسب در به یادآوری وقایع می تواند بر صحت تحقیقات و اثبات رکن روانی مناسب باشد در شرایطی که متهم در حالت شوک یا اضطراب پس از واقعه مجرمانه قرار دارد یا احساس گناه بر او غلبه کرده و ممکن است به نحوی خود را در ارتکاب بزه مقصر بداند، و بر صحبت اثبات رکن روانی تأثیر منفی قرار دهد و بعضاً می تواند به تناقض گویی و سختی تحلیل گفتار متهم توسط قاضی منجر شود و اصل برائت را خدشه دار نماید و استفاده از روانکاو در هنگام بروز چنین شرایطی ضرورتی اجتناب ناپذیر است که در تدوین قانون باید مورد توجه قرار گیرد. با توجه به حاکمیت ملاحظات اخلاقی ناظر بر نهاد کشف جرم بر قوانین موضوعه کیفری در فرآیند دادرسی کیفری و در راستای وظائف نهاد موصوف در جرائم مورد بحث، کسب ادله من جمله اقرار متهم می‌بایست با رعایت اصل کرامت ذاتی انسان و به دور از اجبار و اکراه انجام گیرد و از توسل به عملیات محیلانه در راستای کسب دلیل امتناع گردد.

ملاحظه‌های اخلاقی

در این پژوهش مروری با معرفی منابع مورد استفاده، اصل اخلاق امانت داری علمی رعایت و حق معنوی مولفین آثار محترم شمرده شده است.

سپاسگزاری

از تمامی فعالیت های علمی که در جهت رشد و ترقی پیشرفت و توسعه در تمامی زمینه های تخصصی که همواره بر اساس رعایت اخلاق و مستدل علمی است تشکر به عمل می آید.

واژه نامه

1. Moral Values	ارزش های اخلاقی
2. Drug crimes	جرائم مواد مخدر
3. Presumption of Innocence.	فرض برائت
4. Criminal Offense	اماره مجرمیت
5. Institution	نهاد
6. Citizenship rights	حقوق شهروندی
7. The professional ethics of the police	اخلاق حرفه ای پلیس
8. Ethics Science	روانشناسی جنایی
9. Criminal psychology	روانشناسی جنایی
10. Rational principle	قاعده عقلی
11. Ethical Obligations	الزامات اخلاقی
12. Defense rights	حقوق دفاعی
13. General principle	اصول کلی
14. personality	شخصیت
15. Psychotic disorders	اختلال روان نژندی
16. Social health	سلامت اجتماعی

عموماً متخصص رسیدگی به جرایم موادمخدر هستند، استفاده شود؛ چرا که ایشان با آشنایی به فرایند رسیدگی این جرایم و استفاده از نیروهای زنده اعم از انتظامی و قضایی در جهت وصول هرچه بهتر حقیقت نقش آفرینی می‌نمایند؛ نهاد دادرسی نیز در این باب دادگاه اختصاصی انقلاب بوده که ضوابط حاکم بر آن متفاوت با سایر دادگاه‌ها می‌باشد و عموماً اصل سرعت در رسیدگی با توجه به سنگینی و حساسیت جرایم جای خود را به دقت در آن می‌دهد، ضروری است که اجرای احکام جرایم موصوف تخصصی شود؛ چرا که در حال حاضر شاهد عملکرد مناسبی از سوی نهاد اجرای احکام در جرایم موضوع بحث نمی‌باشیم. به نظر می‌رسد مصادیقی از قبیل: کشت خشخاش و کوکا و ضبط وسیله حمل و نقل و مصادره اموال قاچاقچیان موادمخدر به عنوان تقدم اماره مجرمیت بر اصل برائت در جرایم مورد بحث باشد. با امعان به اطلاق ماده ۱۲۰ ق.م.ا. مراد مقنن از اجرا قاعده درآ در تمام جرایم است. قاعده تدرأ الحدود بالشبهات در جرائم موادمخدر به عنوان یکی از جرایم تزییری جاری و ساری است که با توجه به صعوبت در اثبات جرایم موادمخدر با تدقیق در قاعده درآ و حدود و ثغور آن ضروری است به گونه‌ای که رفع شبهه در ارکان سه گانه جرم موصوف (قانونی، مادی، روانی) لازم و ضروری است. ملاک در عروض شبهه در جرایم موادمخدر در نزد متهم می‌باشد؛ یعنی فاعل فعل ممنوعه به گمان اینکه فعل مباح است مبادرت به انجام آن می‌نماید و باید این شبهه برای قاضی احراز گردد که برای متهم واقعاً شبهه رخ داده است. ملاک شبهه در جرایم موادمخدر در شبهات موضوعیه می‌باشد و کلیه نهادی رسیدگی کننده به جرم باید در صورت حدوث شبهات، فحوص و تلاش را برای زدودن شبهات و کشف حقیقت^{۱۶} انجام دهد و النهایه در صورت ابقاء شبهه با تفسیر به نفع متهم و حکم به بی گناهی متهم صادر کند. شناخت شخصیت مرتکب جرم مواد مخدر از منظر روانشناسی جنایی از این جهت واجد اهمیت است که نمایان می سازد مرتکب در حین ارتکاب بزه در سلامت روانی کامل قرار داشته یا خیر و یا سلامت روانی وی مخدوش گردیده است، لذا رعایت و شناخت زوایای شخصیتی مرتکب از سوی پلیس مهم است و در صورت حدوث شبهه و یا وجود حالت روانی نزدیک به جنون اصل برائت و قاعده درآ حکمفرماست. اثبات رکن روانی در تمامی مراحل از استتطاق تا جمع آوری ادله در حضور متهم بایستی مراعات گردد به گونه ای که خودداری وجود فضایی با تعادل دمایی مناسب یا امکانات بهداشتی یا عدم تأمین محیط و شرایط محل خواب در هنگام بازداشت بر سلامت روانی و اقرار حاصل از تحقیقات در وضعیت روانی متهم تأثیر می گذارد و اقرار و تحلیل ادله در حالت بی خوابی و نامناسب نمی تواند در اثبات جرم مناسب باشد لذا تحلیل روانی متهمان در هنگام بازجویی و عدم وجود ترس یا شرایط نامناسب روانی متهمان در هنگام بازجویی و عدم وجود ترس یا شرایط نامناسب توسط روانشناسان جنایی الزامی است. تأثیر حالت روانی متهمان در به یادآوری وقایع با عنایت به اصل برائت در اثبات رکن روانی باید تلاش کرد به گونه ای باشد که متهم در وضعیت روانی مناسبی برای به خاطر

15. Mohaghegh Damad M. (2007). Issues of principles of jurisprudence. 4th ed. Tehran: Islamic Science Publishing Center. (In Persian).
16. Zabahi H. (2014). Explanation of the law on amendments to the law against drugs and further appendices. 1st ed. Tehran: The Press and Publications Center of the Judiciary. (In Persian).
17. Pourzand Moghadam P. (2000). A comparative-historical study of guilty crimes in Iranian and French law. Medical Journal of Medicine; 3(2). (In Persian).
18. Ghorbani A. (1390). The principle of innocence in jurisprudential thought and the assumption of innocence in European thought. Journal of Islamic Studies on Islamic jurisprudence; 26: 152-127. (In Persian).
19. Rahmadel M. (2006). Reversing the burden of proof in Iranian law. [M.A. thesis]. Iran/Tehran: Institute of Criminal Sciences and Criminology. University of Tehran. (In Persian).
20. Rahmdeel M. (2015). Criminal materials matters. 4th ed. Tehran: Judge Publishing. (In Persian).
21. Rahmdeel M. (2008). Times of Proof in Criminal Matters. 1st ed. Tehran: Samt Publication. (In Persian).
22. Gholaminiya A. (2010). The affect of man's self knowledge on citizenship ethics. Religion Anthropology; (21, 22): 161-171. (In Persian).
23. Sadaat Banitaba H. (2011). Ethic concept and ethical action norm in different schools. Ethic Research Bulletin (The Bulletin of Strategic Research Center); 1: 9-47. (In Persian).
24. Kolahchiyan M. (2006). Mechanisms for societal security realization. 1st ed. Tehran: Scientific Conference Articles of Societal Security. (In Persian).
25. Salehi Amiri R, Kavooosi E. (2009). Culture and management of cultural organizations. 1st ed. Tehran: Strategic Research Center (CSR). (In Persian).
26. Devlin P. (1970). The enforcement of morals. 1st ed. USA/NY: Oxford University Press .
27. Jafari T. (1991). Research in two universal human rights systems. Iran/Tehran: Office of International Legal Services Islamic Republic of Iran. (In Persian).

References

1. Bagherinejad Z. (2014). Principles of criminal procedure. 1st ed. Tehran: Khorsandi Publishing. (In Persian).
2. Najafi Tavana A. (2005). Investigation of the accused in the light of legal and scientific principles. Journal of the Lawyers Association; 189-188: 44-55. (In Persian).
3. Amid H. (1965). Amid culture. 6th ed. Iran/Tehran: Javidan Scientific Publication. (In Persian).
4. Schwikkard PJ. (1999). Presumption of Innocence. 1st ed. USA: Kenwyn & Co. Publication.
5. Hamilton C. (2007). The presumption of innocence in Irish criminal law: 'whittling the golden thread'. 1st ed. Ireland: Irish Academic Press Publication.
6. Qari S, Fatemi M. (2010). Human rights in the contemporary world: analytical quizzes rights and freedoms. 2nd ed. Tehran: City Legal Studies and Research Institute Knowledge. (In Persian).
7. Alabu Jadi M. (2000). Arabic Culture in Farsi. Translation by Ahmad Sayyah. 6th ed. Tehran: Farhan Publication. (In Persian).
8. Mohaghegh Damad SM. (2012). Rules of jurisprudence (criminal division). 4th ed. Tehran: Center for Islamic Science Publishing. (In Persian).
9. Vervai A. (2015). Doctoral course in criminal procedure. [M.A. thesis]. Iran: Islamic Azad University. Kermanshah Branch. (In Persian).
10. Vatankhah H, Agakhani J, Nazari Monazam M. (2016). Police and coping with psychoactive substances. Journal of Social and Addiction Health; 3(12). (In Persian).
11. Moghimi M. (2007). Livestock detection in crime. Police Knowledge Quarterly; 3(35). (In Persian).
12. Sotoudeh H, Mirzai B, Pazand M. (2015). Criminal psychology. 1st ed. Tehran: Avaya Noor Publications. (In Persian).
13. Vervai A, Azizi Arshad M. (2016). General criminal law (principles, principles, rules and criteria). 2nd ed. Tehran: Aryadad Publications. (In Persian).
14. Haji Dehabadi A. (2008). Rules of criminal law. 2nd ed. Qom. Research Center and University. (In Persian).